

A Semantic Approach to the Dominant Stylistic Aspect in Surah Āl ‘Imrān and Its Role in Conveying Meanings and Implications

Ezatollah Molaeniya ^{a*}, Ali Ahmad Naseh ^b, Ali Badri ^c

^a Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran

^b Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran

^c PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran

KEYWORDS

Surah Āl ‘Imrān,
stylistics, style,
interjection,
repetition

Received: 22 August 2023;
Accepted: 19 November 2023

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/paq.2023.708956

ABSTRACT

Surah Āl ‘Imrān is one of the Madani surahs and the majority of its content concerns commands, prohibitions and the explanation of some rulings, and part of the surah is dedicated to addressing the People of the Book and another part is allocated to processing of the story of Āl ‘Imrān. This surah has special characteristics as compared with Makki surahs. The present research, using stylistics and a descriptive-analytical method, tries to study the prominent features of the style of this surah in terms of semantics and the function of each of the stylistic layers to explain the intended meanings in order to display the function of style-making elements and the prominent features of the linguistic-expressive style of this surah. The results of the research shows that one of the most important characteristics of the style of this surah is interjection appearing in structures such as "Ya Ahl al-Kitab", "Ya Ayyuhha Al-Dhinna Amanwa", "Rabbi", "Rabbana" and "Ya Maryam" in each of which there are intended meanings that fit this style. In addition, accuracy in direct and indirect interjection and the difference of each in expressing meanings are among the achievements and innovations of this research. Moreover, in many ayahs of this surah, the order and composition of the sentences are melodious, and the various types of repetition and the appropriate function of its spiritual music in explaining the meanings of the ayahs are noteworthy.

* Corresponding author.

E-mail address: molaeniya@gmail.com

2023 Published by Arak University Press. All rights reserved.





وجه غالب سبکی در سوره آل عمران و نقش آن در انتقال معانی و دلالت‌ها با رویکرد علم معانی

عزت الله مولایی نیا الف*، علی احمد ناصح ب، علی بدری ج

الف دانشجوی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران، molaeniya@gmail.com
 ب استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران، aliahmadnaseh@yahoo.com
 ج دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران، alibadri13744@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
سوره آل عمران، سبک شناسی، اسلوب، نداء، تکرار	سوره آل عمران از سوره مدنی است که غالب محتوای آن در اوامر و نواهی و تبیین برخی از احکام بوده و بخشی از سوره نیز به مورد خطاب قرار دادن اهل کتاب و بخش دیگر به پردازش داستان آل عمران اختصاص دارد. این سوره نسبت به سوره‌های مکی دارای ویژگی‌های خاصی است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از ابزار سبک شناسی و روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد ویژگی‌های برجسته سبک این سوره در بُعد علم معانی را مورد مطالعه قرار دهد و کارکرد هر یک از لایه‌های سبکی را در تبیین معانی مورد نظر بیان کند تا از این زاویه، کارکرد عناصر سبک‌ساز و ویژگی‌های برجسته سبک زبانی - بیانی این سوره را به نمایش بگذارد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک این سوره، اسلوب «نداء» با ساختارهایی چون: «یا أَهْلَ الْكِتَابِ»، «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، «رَبِّ»، «رَبَّنَا» و «یا مریم» است که در هر یک از این پنج اسلوب ندا به فراخور آیات، معانی قصد شده که با این سبک تناسب دارد. به علاوه دقت در سبک ندای مستقیم و غیر مستقیم و تفاوت هر یک در اظهار معانی از جمله دستاوردها و نوآوری‌های این پژوهش است. افزون بر این، در این سوره در بسیاری از آیات، ترتیب و چیدمان جمله‌ها آهنگین بوده و گونه‌های مختلف تکرار و کارکرد شایسته موسیقی معنوی آن در تبیین معانی آیات شایان توجه است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

بررسی متن قرآن کریم به عنوان یک اثر ادبی برجسته بی‌ظیرنشان از عظمت بیان الهی داشته که همواره افق‌های جدیدی را فراروی محققان عرصه قرآن به ویژه مطالعات ادبی قرآن می‌گشاید؛ از این روی پژوهشگران حیطه‌های مختلف با تفاوت در زوایای دید، هر کدام گوشه‌ای از این معجزه جاویدان را مورد مطالعه قرار داده و به نتایجی دست می‌یابند تا شاید شمه‌ای از اعجاز بیانی آن را آشکار کنند.

مطالعات سبک شناسی با استفاده از ابزارها و ترفندهای زبانی به مطالعه آثار ادبی می‌پردازد تا نوآوری‌های آنها را نمایان سازد. تحقیق در زمینه قرآن کریم با استفاده از این روش باعث نمود بهره‌هایی هر چند بیشتر برای تشنگان معرفت

در حیطه نقد ادبی و علوم قرآنی است. نوشتار حاضر بر آن است تا وجه غالب سبکی سوره آل عمران را از نگاه علم معانی و نظم آهنگ به فراخور مجال این پژوهش، مورد مطالعه قرار داده و کارکردهای سبک‌شناسی از جمله انواع سبک‌ها، تکرار، طباق و مراعات‌نظیر را بررسی و تحلیل بلاغی نماید. در این زمینه پژوهشندگان ابتدا مختصری به معرفی دانش سبک‌شناسی پرداخته و سپس هر یک از موارد مذکور را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. تأکید پژوهش حاضر بر وجه معانی در سبک‌شناسی استوار بوده و سایر وجوه سبک‌شناسی مورد بحث نیست.

پژوهش حاضر به بررسی سبک‌شناسانه سوره آل عمران و تحلیل آن بر اساس سطوح زبانی پرداخته است و به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش‌های ذیل است:

- ۱- مهمترین سبک‌های زبانی سوره آل عمران کدام بوده و در چه سطوحی نمود یافته و چگونه تحلیل می‌شود؟
- ۲- مؤلفه‌های سبک‌ساز زبانی چه نقشی در انتقال معنا و مفهوم به شنوندگان خود در قرآن به ویژه در این سوره دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه سبک‌شناسی سوره‌های قرآن کریم تا کنون پژوهش‌هایی انجام پذیرفته که برخی از آنها عبارتند از: «لمسات بلاغية من التعبير القرآني، سورة المائدة أمودجا» اثر حیدر صاحب شاکر، «مشارك الأضداد في سورة المائدة دراسة تحليلية دلالية»، اثر ایلوک زکیه (پایان نامه ارشد)، «سورة المائدة دراسة اسلوبية فقهية مقارنة»، اثر ابراهیم-عوض، «نقش و کارکرد سبک قرآنی در بیان دلالت‌ها، مطالعه موردی سوره مائده، اثر سید مهدی مسبوق و همکاران، «سبک‌شناسی سوره مریم و الرحمن» از محمد خاقانی، «سبک‌شناسی سوره ص» از نصراله شاملی، «سبک‌شناسی سوره ه کهف» از مروان محمد سعید عبدالرحمن، «سبک‌شناسی سوره نحل» از أسامة عبدالمالک ابراهیم عثمان، «سبک‌شناسی محسنات معنوی سوره نساء» از بهمن هادیلو، «سبک‌شناسی سوره نساء، تحلیل زبانی، ادبی و فکری» از نجمه محیائی و همکاران، «سبک‌شناسی سوره تکویر» از علی نظری؛ بنابراین باتوجه به اطلاعات‌نگارنده، تاکنون در حوزه سبک‌شناسی سوره «آل عمران» پژوهشی صورت نگرفته است.

۳. سبک‌شناسی

کلمه «سبک» که «اسلوب» هم گفته می‌شود، مصدر ثلاثی مجرد بوده و هر گاه گفته شود «سَبَّكَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ» بدین معنا است که طلا و نقره را ذوب کرده و داخل قالب ریخت (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۳۸). به نظر می‌رسد این واژه به معنای اسم مصدری هم به کار می‌رود. در ترجمه روان فارسی می‌توان سبک را به معنای زیر دانست: ریخته‌گری، قالب ریزی، ذوب کردن (در صورت معنای مصدری)، قالب و مجازاً به معنای ریخت و شکل (در صورت معنای اسم مصدری) (آذرنوش، ۱۳۹۱ش، ص ۴۳۴). به قطعه طلا و نقره گداخته و قالب گیری شده سَبَّيْکَه گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۳۸) و معادل فارسی آن شِمْش است (آذرنوش، ۱۳۹۱ش، ص ۴۳۵). برخی به زبیدی نسبت داده اند که وی «سبک» را در تاج العروس به معنای هنر دانسته (محیائی و دیگران، ۱۴۰۰ش، ص ۵۴) در حالی که این نسبت صحیح نیست و زبیدی در تاج العروس چنین مطلبی بیان نداشته است.

بسیاری معتقدند که پیشینه سبک‌شناسی را باید در یونان و روم جستجو کرد. افلاطون سبک را کیفیت و امتیازی تعریف میکند که گوینده‌ای به لحاظ برخورداري از الگوی مناسب و شایسته کلام از آن بهره مند است و گوینده‌ای دیگر

به دلیل فقدان این الگوی مناسب، از آن بی بهره است؛ اما ارسطو سبک را خاصیت ذاتی کلام می داند و معتقد است هر اثری دارای سبک است، حال این سبک ممکن است پست، متوسط یا عالی باشد. سبک خصوصیتی اکتسابی است و به درجات مختلف تقسیم بندی می شود (امین پور، ۱۳۸۴ ش، ص ۸۲). ریشه های سبک شناسی مدرن را هم می توان در آثار چالرز بالی^۱ (۱۹۴۵-۱۸۶۵) و لئو اسپیتزر^۲ (۱۹۶۰-۱۸۸۷) مشاهده کرد (کاتانو، ترجمه قبادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۱۲).

ملک الشعرای بهار که گویا برای اولین بار در ایران به سبک شناسی ادبیات فارسی پرداخته، در تعریف سبک می گوید: «سبک در اصطلاح ادبیات عبارت از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است ... بنابر این سبک در معنای عام خود عبارت است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصائص اصلی محصول خویش (اثر منظوم یا منثور) را مشخص می سازد» (بهار، ۱۳۴۹ ش، ج ۱، مقدمه مصنف).

بنابراین سبک یک اثر مجموعه ویژگی ها و عناصری است که آن اثر هنری را از دیگر آثار متمایز می سازد و از نظر میزان کاربرد هم بسامد بیشتری دارد؛ بنابراین بین سبک شناسی و زبان شناسی رابطه عمیقی وجود دارد (محيائی و دیگران، ۱۴۰۰ ش، ص ۵۵). سبک شناسی بیانگر زیبایی گرایی زبان شناسی است؛ زیرا ویژگی های شیوه بیان را که گفتمان عادی از آن کمک می گیرد، مورد پژوهش قرار می دهد (خاقانی، ۱۳۸۹ ش، ص ۹۵).

۴. نگاه اجمالی به سوره آل عمران

سوره آل عمران که سومین سوره قرآن است، یکی از سوره مدنی است که دویست آیه دارد. علت نام گذاری این سوره به این دلیل است که در آیه ۳۳ از «آل عمران» سخن گفته شده است. از جمله اسامی دیگری که برای این سوره بر شمرده شده، «الزهراء»، «الکنز»، «المجادلة»، «الامان» و «الاستغفار» است (مهاشمی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۰۱؛ قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۲۵۳). به اعتقاد برخی از مفسران این سوره یکبار نازل شده است؛ چرا که سیاق آیاتش که ظهوری - روشن در بهم پیوستگی و انسجام دارد، و از اول تا به آخر متناسب با هم بوده و همه اغراض آنها بهم مربوط است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص ۵). خداوند در این سوره مؤمنان را به توحید کلمه در دین و صبر و پایداری در مقابل مشرکان و یهود فرا می خواند (همو). در این سوره به غزوه احد (آل عمران / ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴) و هم مباحله (آل عمران / ۶۱) اشاره رفته است. از جمله مطالب محتوایی این سوره می توان به توحید و صفات خدا، معاد، برخی از معارف دین، برخی از احکام اسلامی همچون حج، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و ذکر بخشی از تاریخ پیامبران (ع) اشاره کرد (مکارم، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۴۰۸-۴۰۹).

۵. به کارگیری اسلوب ندا

کاربست اسلوب ندا در سوره آل عمران قابل توجه است. ندا در این سوره به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم به کار رفته است که به تحلیل آن می پردازیم؛

^۱. Charles Bally.

^۲. Leo Spitzer.

۵. ۱. ندای مستقیم

ندای مستقیم هنگامی است که خداوند گروه یا فرد خاصی را مستقیماً مورد ندا قرار می‌دهد، بدون آنکه از پیامبر (ص) بخواهد مطلبی را به آنان برساند. بیشتر اسالیب ندا در سوره آل عمران از نوع ندای مستقیم است. به بررسی ندای مستقیم در این سوره با پنج سبک ندای «یا أَهْلَ الْكِتَابِ»، «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، «رَبِّ»، «رَبَّنَا» و «یا مَرْيَمُ» می‌پردازیم که بیشترین بسامد تکرار را در سبک‌های ندا در این سوره دارند.

۵. ۱. ۱. اسلوب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»

عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تنها در سوره‌های مدنی آمده است. این سبک تعبیر از مجموع هشتاد و نه مرتبه که در قرآن تکرار شده، همگی در سوره‌های مدنی آمده و کمتر سوره مدنی می‌یابیم که از این سبک تعبیر خالی باشد (عوض، ۲۰۰۰م، ص ۷). در این میان تنها در این سوره هفت مرتبه تکرار شده است. با توجه به اینکه سیاق این آیات ادامه‌دار است، در ادامه این نداها، خداوند مؤمنان را به عملی، دستور داده یا از عملی بازداشته است.

قبل از تحلیل موارد به کارگیری این تعبیر در این سوره، ابتدا عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» را به صورت مختصر از نظر می‌گذرانیم. «یا» برای ندای قریب، بعید و متوسط به کار می‌رود (مدنی، بی تا، ص ۴۲۵). در دیدگاه کوفیان هنگامی که گفته می‌شود: «یا أَيُّهَا الزُّجَلُ»، «یا» [حرف] ندا، و «أَيُّ» اسم منادی، «ها» تنبیه، و «الرجل» صفت منادی خواهد بود (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۴۷۱). حرف ندا در لفظ مبهم «أَيُّ» عمل کرده است. در اینگونه تعبیر که ابتدا لفظی مبهم و سپس صفت می‌آید، تدرج از ابهام به سوی توضیح است که نوعی تأکید است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۹). این تأکید با مدح‌بندگان به صفت ایمان حاصل شده و به نوعی تفضیل اهل ایمان بر سایر بندگان است. همچنین «أَيُّ» در اینجا با اسم موصول مقید شده و وصف آن است که مفید تعظیم خواهد بود (هاشمی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۴). بنابر این منادا قرار دادن اهل ایمان، با این وصف نوعی تکریم آنان است (مسبوق و همکاران، ۱۳۹۹ش، ص ۶ باتصرف). صاحب-تفسیر نمونه این خطاب را خطابی افتخارآمیز و روح پرور توصیف نموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۴۴۱). در بررسی موارد استفاده از این سبک خطاب در سوره آل عمران با دستورات الهی روبه رو هستیم، در بخشی از آیات دستور صریح و به صورت امر آمده مانند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/۲۰۰) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید].

در این آیه به صبر، پایداری در مقابل دشمن و تقوای الهی دستور داده شده است، در آیه دیگر به خدا ترسی به شایسته ترین وجه و باقی ماندن بر اسلام تا پایان عمر فرمان داده است:

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران/۱۰۲) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست، پروا کنید؛ و زینهار، جز مسلمان نمیرید].

در بررسی برخی موارد دیگر از این سبک خطاب با ساختار نهی و زجر روبه رو هستیم مانند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةٍ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا» (آل عمران/۱۱۸) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] همراز مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند].

در این آیه از انتخاب دوست صمیمی و راز دار غیرمسلمان نهی شده است، در آیه دیگر از رباخواری نهی شده و در

ادامه به تقوا و خدا ترسی امر شده است: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (آل عمران/۱۳۰) [ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را [با سود] چندین برابر مخورید، و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.]

در آیه دیگر خداوند مؤمنان را پرهیز می‌دهید - که همچون کفار - برخی سخنان ناسنجیده بزنند: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَ مَا قُتِلُوا) (آل عمران/۱۵۶) [ای کسانی که ایمان آورده اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند؛ و به برادرانشان - هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مردند] و یا جهادگر شدند [و کشته شدند]، گفتند: اگر نزد ما [مانده] بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند.]

دو آیه دیگر در همین سبک از خطاب به صورت جمله شرطیه آمده است: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ يَزِدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ) (آل عمران/۱۰۰) [ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از فرقه‌ای از اهل کتاب فرمان برید، شما را پس از ایمانتان به حال کفر برمی‌گردانند.]

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَزِدُّوكُمْ عَلَىٰ عُقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ (آل عمران/۱۴۹) [ای اهل ایمان، اگر پیروی کافران کنید شما را (از دین اسلام) باز به کفر برمی‌گردانند، آن‌گاه شما هم از زیانکاران خواهید گشت.] در این دو آیه شریفه هم که بعد از خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» از اسلوب شرط استفاده شده، در واقع به قصد نهی و زجر است که در این صورت در آیه ۱۰۰ از اطاعت و پیروی گروهی از اهل کتاب و در آیه ۱۴۹ از اطاعت کفار با تبیین عاقبت سوء این پیروی و اطاعت نهی شده است. این نوع اسلوب در برخی از مواقع از اسلوب نهی مؤثر تر است. مثلاً اگر پدر به فرزند خود بگوید: «شکلات نخور» تا حدی بازدارندگی خواهد داشت، اما اگر بگوید: «اگر شکلات بخوری، دندان‌هایت خراب می‌شود و باید آن را بکشیم» قطعاً تأثیر بیشتری در بازدارندگی خواهد داشت.

نتیجه آنکه خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در این سوره برای متنبه کردن مؤمنان در خصوص چند مطلب وارد شده است:

۱. اهتمام به تقوا (در سه مورد با صراحت).

۲. دعوت به صبر و پایداری (که در واقع به نوعی نهی از بی‌صبری و عدم ثبات است).

۳. نهی از وقوع در مرگ مشرکانه.

۴. نهی از دوستی با نااهلان.

۵. نهی از ربا.

۶. نهی از تشبیه به کفار در گفتار و یا در عملی دیگر.

۷. نهی از اطاعت کفار و گروهی از اهل کتاب.

به نظر می‌رسد بازگشت همه این مطالب به تقوا است و گویا ادامه این سبک از خطاب در این سوره به بیان برخی از مصادیق تقوا پرداخته و می‌خواهد رابطه ایمان و تقوا را گوشزد کند. پس می‌توان گفت مفاد همه آیاتی که با سبک خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در این سوره آمده با همدیگر هماهنگی دارد و آن عبارت است از دعوت به تقوا برای تقویت ایمان.

۵. ۱. ۲. اسلوب «یا أَهْلَ الْكِتَابِ»

عبارت «یا أَهْلَ الْكِتَابِ» هم تنها در سوره‌های مدنی آمده است؛ چرا که پیامبر (ص) در مکه با یهود و نصاری مواجه

نبود. این سبک از ندا در تمامی قرآن ۱۲ بار تکرار شده که تنها ۶ بار آن در سوره آل عمران واقع شده است. ۳ مورد از این ۶ مورد، اسلوب ندای مستقیم است و هر ۳ مورد با تعبیر سوالی «لِمَ» به سرزنش اهل کتاب پرداخته است. در یک مورد قرآن اهل کتاب را سرزنش می کند که چرا هر یک از یهود و نصاری در مورد حضرت ابراهیم محاجه کرده و هر یک، ایشان را به کیش خود می داند: (یا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (آل عمران/۶۵) [ای اهل کتاب، چرا در باره ابراهیم محاجه می کنید با آنکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا تعقل نمی کنید؟]

استفهام در این آیه توییخی- انکاری است (صاوی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۱۳) و استفهام حقیقی نیست. همانند این نوع استفهام با «لِمَ» در آیه ۲ سوره صف هم مشهود است: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ). استفهام موجود در این آیه هم استفهام توییخی دانسته شده است (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۸، ص ۸۰).

در دو آیه دیگر سوره آل عمران که با سبک خطاب «یا أَهْلَ الْكِتَابِ» آغاز شده، هم به سرزنش اهل کتاب پرداخته شده است: (یا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ) (آل عمران/۷۰) [ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می ورزید با آنکه خود [به درستی آن] گواهی می دهید؟]

در این آیه بعد از تعبیر «یا أَهْلَ الْكِتَابِ» با استفهام «لِمَ» سرزنش می شوند؛ که چرا با آنکه خود گواه بر آیات خدا هستید نسبت به آن کافر می شوید. استفهام در این آیه هم توییخی بوده، انکاری و حقیقی نیست.

در آیه دیگر هم اهل کتاب به جهت در هم آمیختن و مشتبه ساختن حق و باطل و کتمان حق مورد سرزنش واقع شده اند: (یا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (آل عمران/۷۱) [ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل درمی آمیزید و حقیقت را کتمان می کنید، با اینکه خود می دانید؟]

استفهام در این آیه هم انکاری- توییخی است. به نظر برخی پژوهشگران معاصر، تصدّر ندا به «یا أَهْلَ الْكِتَابِ» در این آیه دلالت بر افزونی و زیادت توییخ دارد (ابوزهره، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۷۰). شاید به این جهت باشد که در آیه قبل هم ندا به «یا أَهْلَ الْكِتَابِ» آغاز شده بود و می توانست در این آیه تعبیر را نیاورد، اما تکرار آن در این آیه، دلالت بر زیادت توییخ دارد. گویا می خواهد با تکرار این سبک تعبیر ندایی در این آیه چنین بگوید که: ای اهل کتاب روی سختم با شماست، شما را می گویم. توییخ و عتاب متوجه شماست.

۵.۱.۳. اسلوب «رَبِّ» و «رَبَّنَا»

سبک ندای «رَبِّ» در مجموع ۶۵ بار و تعبیر «یا رَبِّ» هم دو بار در قرآن تکرار شده که مجموعاً ۶۷ بار می شود. همچنین سبک ندای «رَبَّنَا» در مجموع ۶۷ مرتبه در قرآن به کار رفته است. این تعداد از هر دو تعبیر ندایی تقارن جالبی ایجاد کرده است. به این صورت که خواندن خدا و ندای او در قرآن چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی و جمعی به یک میزان در قرآن به کار رفته است. به هر حال سبک ندای «رَبِّ» در سوره آل عمران ۶ مرتبه و «رَبَّنَا» ۱۰ مرتبه به کار رفته است. با این حساب در مجموع همه سوره های قرآن، حدود ۹ درصد از سبک ندهای «رَبِّ» و ۱۴ درصد از سبک ندهای «رَبَّنَا» در سوره آل عمران به کار رفته که در مقایسه با کل قرآن و سایر سوره ها قابل توجه است.

«رَبِّ» و «رَبَّنَا» هر دو «یا رَبِّ» و «یا رَبَّنَا» بوده اند که به جهت جواز حذف حرف ندا به صورت «رَبِّ» و «رَبَّنَا» در آمده اند. همچنین هر دو منادای مضاف هستند که در «رَبِّ» منادا به ضمیر «یا» متکلم وحده و در «رَبَّنَا» به ضمیر «نا» متکلم

مع الغیر اضافه شده است. «رَبِّ» هم در اصل «رَبِّی» بوده که یاء به قرینه کسره حذف شده است. سبک ندای «رَبِّ» چنانکه گذشت ۶ مرتبه در سوره آل عمران به کار رفته که ۴ مورد آن به جهت درخواست و دعا آمده:

۱. رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً (آل عمران/ ۳۸) [پروردگارا، از جانب خود، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن.]

۲. رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً (آل عمران/ ۴۱) [پروردگارا، برای من نشانه‌ای قرار ده.]

۳. رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا (آل عمران/ ۳۵) [پروردگارا، آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد.]

۴. رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى (آل عمران/ ۳۶) [پروردگارا، من دختر زاده‌ام.]

در این آیه تعبیر «رَبِّ» علاوه بر مناجات، به قرینه ما بعد آن نشانگر تحسّر و ابراز حزن هم هست (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۶). همانند این سبک بیان در فارسی با تعبیر «ای خدا» البته با لحنی که کمی مدّ روی الف خدا باشد، به کار می رود که نشان از تحسّر و ابراز ناراحتی دارد.

در ۲ مورد هم تعبیر «رَبِّ» برای مناجات همراه با تعجب به کار برده شده که کاربست «أُنْثَى» بعد از تعبیر «رَبِّ» بیانگر این مطلب است:

۱. رَبِّ أُنْثَى يَكُونُ لِي غُلَامًا وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَ امْرَأَتِي عَاقِرٌ (آل عمران/ ۴۰) [پروردگارا، چگونه مرا فرزندی خواهد بود؟ در حالی که پیری من بالا گرفته است و زخم «نازا» است.]

زکریا از فرزند دار شدن در دوران پیری تعجب کرده و تعجب خود را با تعبیر «رَبِّ...» بیان می کند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۱، ص ۸۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۹۳). در فارسی این نوع سبک بیان با تعبیر «خدایا! مگر می شود» یا «خدایا! چطور ممکن است» کار برد دارد که بیانگر تعجب است.

۲. رَبِّ أُنْثَى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ (آل عمران/ ۴۷) [پروردگارا، چگونه مرا فرزندی خواهد بود با آنکه بشری به من دست نزده است؟]

مریم (س) از فرزند دار شدن بدون آنکه همسری داشته باشد، تعجب کرده و تعجب خود را با تعبیر «رَبِّ...» بیان می کند (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۰؛ راغب، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۶۹).

نتیجه آنکه همه موارد شش گانه مذکور از سبک تعبیر «رَبِّ» برای شروع مناجات البته با اغراض گوناگون (درخواست، تعجب، تحسّر و ابراز اندوه) به کار برده شده است.

چنانکه گذشته سبک ندای «رَبَّنَا» ۱۰ مرتبه در سوره آل عمران به کار رفته که ۴ مورد آن در آیات پایانی سوره (آل- عمران/ ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴) به کار رفته است. از این میان در ۴ مورد بعد از تعبیر «رَبَّنَا» بلافاصله درخواست و دعای صریح آمده:

۱. رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا... (آل عمران/ ۸) [پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان.]

۲. رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا... (آل عمران/ ۱۴۷) [پروردگارا، گناهان ما را بر ما ببخش.]

۳. رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ... (آل عمران/ ۱۹۴) [پروردگارا، و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن.]

۴. (رَبَّنَا فَاعْفُزْ لَنَا ذُنُوبَنَا) (آل عمران/ ۱۹۳) [پروردگارا، پس گناهان ما را بر ما ببخش].

در ۳ مورد هم ابتدا بعد از تعبیر «رَبَّنَا» خبری داده شده و سپس درخواست و دعای صریح مطرح می شود:

۱. (رَبَّنَا إِنَّنَا أَمْنَا فَأَعْفُزْ لَنَا ذُنُوبَنَا ...) (آل عمران/ ۱۶) [پروردگارا، ما ایمان آوردیم؛ پس گناهان ما را بر ما ببخش].
۲. (رَبَّنَا أَمْنَا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ) (آل عمران/ ۵۳) [پروردگارا، به آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده [ات] را پیروی کردیم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس].
۳. (... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) (آل عمران/ ۱۹۱) [پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای. منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار].

در ۳ مورد هم تنها بعد از تعبیر «رَبَّنَا» به اخبار اکتفا شده و درخواست صریحی نشده است:

۱. (رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ ...) (آل عمران/ ۹) [پروردگارا، به یقین، تو در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست، گردآورنده [جمله] مردمانی].
۲. (رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ...) (آل عمران/ ۱۹۲) [پروردگارا، هر که را تو در آتش درآوری، یقیناً رسوایش کرده‌ای].
۳. (رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا) (آل عمران/ ۱۹۳) [پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که: «به پروردگار خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم].

در هر سه مورد اخیر هر چند بعد از منادا با تعبیر «رَبَّنَا» درخواستی مطرح نشده، اما مفهوم جملات بیان شده در پس خود احساس عجز و پایین بودن مقام متکلم را می رساند که به نوعی با زبانی بی زبانی درخواست و خواهش غیرمستقیم را حکایت گر است.

در آیه ۹ صرفاً اخبار از گردآوری مردم در روز قیامت توسط خدا نیست، بلکه گویا در پس این کلام این سخن زمزمه می شود که پس خدایا در آن روز که همه گردهم می آیند به ما رحم کن! در آیه ۱۹۲ هم صرفاً اخبار از این نیست که خداوند هر کس را داخل آتش کند او را خوار کرده، بلکه این تعبیر می خواهد بگوید: خدایا حال که چنین است پس ما را داخل در آتش جهنم نکن. در آیه ۱۹۳ هم صرفاً اخبار از ایمان آوردن نیست، بلکه گویا متکلم می خواهد از لوازم ایمان بهره مند شود که همان نجات از آتش است و گویا با این کلام می خواهد بگوید: خدایا ما که ایمان آوردیم مبادا ما را به آتش قهر خود بسوزانی. چنین سبک از کلام در محاورات عرفی رایج است. مانند این کلام را فرزند برای در امان بودن از قهر و غضب والدین خطاب به آنان چنین می گوید: «من بچه خوبی شدم». این تعبیر صرفاً یک اخبار نیست، بلکه فرزند با این کلام، این خواهش را دارد که از غضب والدین در امان بماند و گویا گفته است: لطفاً مرا تنبیه نکنید؛ چرا که من بچه خوبی شده ام». اما جمله اول را که تمنی و خواهش است حذف می کند و تنها به اخبار اکتفا می کند. در واقع در این مورد جمله خبری استعمال شده اما انشاء و طلب مورد نظر است.

۵. ۱. ۴. اسلوب «یا مریم»

اسلوب ندای «یا مریم» در قرآن کریم ۵ بار به کار رفته، که ۴ بار آن در سوره آل عمران و یک بار هم در سوره مریم دیده می شود. در قرآن کریم به جز حضرت مریم (س) هیچ زن دیگری با نام مخصوص خود عنوان و مورد خطاب و ندا واقع نشده و نام هیچ زن دیگری جز ایشان به صراحت در قرآن نیامده است (میبیدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۶، ص ۲). مثلاً در مورد

حضرت آسیه تعبیر «امْرَأْتُ فِرْعَوْنَ» (قصص ۹) به کار رفته، همچنین در مورد دیگر زنان در قرآن تعابیری همچون «امْرَأْتُ عِمْرَانَ» (آل عمران ۳۵)، «امْرَأْتُ نُوحٍ» (تحریم ۱۰)، «امْرَأَتُهُ» (اعراف ۸۳؛ هود ۷۱؛ یوسف ۲۱؛ حجر ۶۰؛ نمل ۵۷؛ عنکبوت ۳۲؛ ذاریات ۲۹/مسد ۴) به کار رفته، بدون آنکه به اسم آنان تصریح شده باشد. و طبعاً چون به اسم زن دیگری جز حضرت مریم (س) در قرآن تصریح نشده، تنها ایشان از میان سایر زنان مورد ندا واقع شده اند. هر چند زنان پیامبر (ص) هم با تعبیر «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ» (احزاب ۳۰، ۳۲) مورد ندا واقع شده اند اما با تصریح به اسم آنان مورد ندا قرار نگرفته اند. علت یابی چنین کاربرد قرآنی مقام دیگری می طلبید و از وسع پژوهش حاضر خارج است.

اسلوب «یا مریم» یک بار از زبان حضرت زکریا (ع) بیان شده: (كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا...)(آل عمران ۳۷) [زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می شد، نزد او [نوعی] خوراکی می یافت. [می] گفت: «ای مریم، این از کجا برای تو آمده است؟»

در این آیه زکریا که شوهر خواهر مریم بود (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۱۶؛ عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ۶۳۹) او را مورد ندا قرار داده. زکریا مریم را با اسم کوچک و بدون هیچ لقب یا کنیه صدا می زند که می تواند به این جهت باشد که هر چند مریم نسبت به زکریا نامحرم است، اما چون زکریا کفالت او را بر عهده گرفته (آل عمران ۳۷) او را همچون دختر خود دانسته و به اسم کوچک صدا می زند، علاوه بر اینکه زکریا در سن پیری قرار دارد و عرفاً هم اشکالی در چنین ندا وجود ندارد. اما هنگامی که سایر مردم او را مورد خطاب قرار می دهند از تعبیر (یا أُخْتُ هَارُونَ) (مریم ۲۸) استفاده می کنند.

در قرآن سه بار هم فرشتگان مریم را مورد ندای قرار داده اند: (وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ) (آل عمران ۴۲) [و یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.»

(يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ) (آل عمران ۴۳) [ای مریم، فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما.]

(إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ...)(آل عمران ۴۵) ([یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود، که نامش مسیح است ...

مورد نداء واقع شدن حضرت مریم (ع) از سوی ملائکه نشان از مقام والای او دارد. اما نکته دیگر آنکه ایشان از سوی خداوند مورد ندا قرار نگرفت؛ چرا که پیامبر (ص) نبود، اما ملائکه به صورت شفاهی با او سخن گفتند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۷۳) و این یعنی او محدثه بود.

۲.۵. ندای غیر مستقیم

در این نوع از ندا، خداوند به صورت مستقیم منادا را مورد ندا قرار نمی دهد، بلکه از پیامبر (ص) می خواهد که آن را مورد ندا قرار دهد. چنین ندایی مشابه بحثی است که در اصول فقه از آن با عنوان «امر به امر» (مکارم، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۴۹۵) یاد می شود و به امری گفته می شود که در آن مولا (آمر) امر خود را با واسطه، متوجه مأمور می نماید؛ به این روش که ابتدا به کسی (مأمور اول) دستور می دهد تا او به دیگری (مأمور دوم) امر نماید (گروه محققان، ۱۳۸۹ش، ص ۲۵۸) این نوع ندا در سوره آل عمران در مورد اهل کتاب به کار برده شده، قبلاً ذکر شد که خداوند اهل کتاب را در این

سوره مورد ندای مستقیم قرار داده، حال در سه آیه آنان را مورد ندای غیر مستقیم قرار می دهد:

۱. (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ ...) (آل عمران/ ۶۴) [بگو: «ای اهل کتاب،

بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم]

بعد از تعبیر «یا أَهْلَ الْكِتَابِ» «تعالوا» آمده و با اینکه اسم فعل بوده و معنای امر دارد اما در واقع دعوت است. در این آیه اهل کتاب با ندای غیرمستقیم خدا به کلمه واحده، یعنی عبادت خدا، پرهیز از شرک تسلیم امر او دعوت شده اند. گویا علت ندای غیرمستقیم در این آیه این است که چون دعوت به خدا است، بهتر آن بود که از سوی پیامبر (ص) باشد نه خود خدای متعال.

۲. (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ...) (آل عمران/ ۹۸) [بگو: «ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟»]

۳. (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ ...) (آل عمران/ ۹۸) [بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا باز می‌دارید؟»]

در این دو آیه اهل کتاب به خاطر کفر به آیات و نشانه‌های الهی و هم بازداری اهل ایمان راه خدا، با تعبیر پرسشی «لِمَ» سرزنش شده اند. گویا علت ندای غیرمستقیم در این دو آیه هم این است که چون سرزنش و مؤاخذه اهل کتاب از عملی است که به خداوند باز می‌گردد، بهتر آن بوده که از سوی پیامبر (ص) خطاب و ندا واقع شود.

۶. تکرار

تکرار در متون ادبی، زیبایی خاصی به آن می‌دهد، در قرآن کریم هم این صنعت ادبی به کار برده شده است. تکرار یا به منظور بارزتر شدن معنا و یا تأکید، تفصیل و متبلور کردن معانی است (شعلال، ۱۹۹۳ م، ۲۵۲). با اینکه دانشمندان بلاغت زبان عربی برای پدیده تکرار فصل و باب مستقلی نگشوده‌اند، اما اهتمام فراوانی به آن داشته‌اند، به گونه‌ای که این پدیده بخش بزرگی از محسنات بدیعی لفظی همچون تردید، ردّ صدر به عجز (تصدیر)، اشتقاق، موازنه و ترصیع، تجنیس و ... را در برمی‌گیرد (قهرمانی مقبل، ۱۳۹۱ ش، ص ۴۸). در خصوص انگیزه‌های هنری تکرار گفته می‌شود که این امر باعث به وجود آمدن یک توازن موسیقی در اثر ادبی می‌شود و این باعث می‌شود آهنگ، تأثیر بیشتری در انگیزش مخاطب و تأثیرگذاری بر او داشته‌باشد (حسین قاسم، ۲۰۰۱ م، ص ۲۱۹). تکرار گاه در حروف دیده می‌شود، گاهی در کلمات و گاهی در جملات و عبارات به کار می‌رود.

۱.۶. تکرار حرف

حروف در ساختار کلمه و تعیین معنای آن، به ویژه در زبان عربی، اهمیت فراوانی دارد و از همین رو تکرار یک حرف در کلمه یا جمله می‌تواند نشان از تأکید، شاعر و نویسنده روی معنای خاصی باشد. تکرار حروف هر چند به صورت نامنظم، در کلام زیبایی آفرین است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۸).

اعجاز ادبی قرآن به گونه‌ای است که می‌بینیم خصوصیات حروف و مقدار تکرار آنها ارتباط عمیقی با مفاهیم و معانی آیات دارند، مثلاً در سوره آل عمران در آیه مباهله می‌فرماید: (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) (آل عمران/ ۶۱) [پس هر

که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

در این آیه حرف «نون» ۱۷ بار تکرار شده، و از آنجا که حرف «نون» از حروف مجهوره و برای تعبیر از عمق جان و صمیم قلب وضع شده و صوتی هیجانی دارد (عباس، ۱۹۹۸، ص ۱۶۰) و این ویژگی‌ها با مقام سخن که در باب مباحله است، تناسب دارد؛ چرا که در مباحله از صمیم قلب و عمق جان به این کار دعوت می‌شود و تکرار حرف نون در این آیه بر این مطلب دلالت دارد.

در آیه دیگری که به خداوند در آن دعوت می‌کند تا به ایمان به خدا و پیامبران اقرار شود هم شاهد تکرار حروف هستیم: (قُلْ أَمَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ) (آل عمران/ ۸۴) [بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده، و آنچه به موسی و عیسی و انبیای [دیگر] از جانب پروردگارشان داده شده، گرویدیم و میان هیچ‌یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما او را فرمانبرداریم].

در این آیه حرف «میم» ۱۳ بار تکرار شده و از آنجا که حرف «میم» از حروف مجهوری است که شدت یا رخوت آن متوسط بوده و به احساسات لمسی همچون نرمی، آرام گرفتن و استوار شدن، هنگام برخورد لب‌ها بر همدیگر هنگام تلفظ آن دلالت دارد (عباس، ۱۹۹۸، ص ۷۲) و همچنین تکرار حرف «نون» به میزان ۱۲ بار (با احتساب تشدید) در این آیه که بر ابراز کلام از عمق جان و صمیم قلب دلالت دارد، می‌توان به معنا و مدلول این آیه که اقرار به ایمان به خدا و آنچه بر انبیا نازل شده و سرتسلیم فرود آوردن در مقابل همه آنان است، منتقل شد.

۲.۶. تکرار کلمه

تکرار کلمه در سیاق بیان قرآنی دارای دلالت‌های خاصی است که با دقت در این امر می‌توان به گوشه‌ای از اسرار تعبیر قرآنی پی برد. در آیه (... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (آل عمران/ ۱۵۰) [چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد] لفظ جلاله «الله» ۲ بار تکرار شده و با آنکه می‌توانست به جای «الله» دوم از ضمیر استفاده کند، اسم ظاهر آورد که نشان از اهمیت توکل نزد خداوند دارد.

همچنین در آیه (... ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ) (آل عمران/ ۱۹۵) [پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست] و هم در آیه (... وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ) (آل عمران/ ۵۹) [و [دشمنان] مکر ورزیدند، و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد، و خداوند بهترین مکرانگیزان است] لفظ جلاله «الله» تکرار شده و به جای ضمیر از اسم ظاهر بهره گرفته شده که نشان از آن دارد که هم‌ثواب و هم‌مکرانگیزی مطلق در اختیار خداست. همچنین در آیه ۵۹ علاوه بر لفظ جلاله، لفظ «ثواب» و «عند» هم تکرار شده که بر مطلب فوق دلالت دارد.

در آیه (وَ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلْ مَنْ يَعْلَلُ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ) (آل عمران/ ۱۶۱) [هیچ پیامبری را نسزد که خیانت ورزد، و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید] ماده «غل» به صورت سه فعل مضارع منصوب، مضارع مجزوم و ماضی تکرار شده، که حکایت از تأکید بر زشتی و ناپسندی خیانت دارد.

در آیه (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (آل عمران/۲۶) [بگو: «بار خدایا، تویی که فرمانفرمایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوارگردانی؛ همه خوبیها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی] تکرار لفظ «ملک» و «تشاء» دلالت بر تأکید قدرت مطلقه خدا در فرمانروایی، مشیت و اراده او دارد.

در آیه ۱۹۳ و ۱۹۴ این سوره هم مجموعاً لفظ «رَبَّنَا» سه بار تکرار شده که چون مقام، مقام طلب و اظهار عجز است، خداوند به صورت متعدد مورد ندا واقع شده، از سویی این نوع تعبیر می‌تواند تعلیمی نیز باشد، به این صورت که به مخاطب تعلیم می‌دهد در هنگام درخواست از خداوند، نام او را مکرر صدا بزند.

تکرار فعل «أنزل» و سپس تغییر ضمیر مجروری در آیه (وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ... (آل عمران/۱۹۹) [البته از میان اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان دارند... (حکایت از تفاوت ماهوی محتوای چیزی است که بر مسلمانان (قرآن) و اهل کتاب (تورات یا انجیل) نازل شده. وگرنه می‌توانست بگوید «ما أنزل اليكم و اليهم».

همچنین تکرار لفظ «رَبِّ» در آیه (إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ) (آل عمران/۵۱) [در حقیقت، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را بپرستید] در التزام عبودیت بلیغ‌تر است تا اینکه گفته شود «رَبَّنَا» و همچنین بر بیزاری از ربوبیت غیر خدای یگانه دلالت بیشتری دارد (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۷۰).

۳.۶. تکرار جمله

تکرار جمله در سیاق بیان قرآنی دارای دلالت‌های خاصی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. در آیه (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (آل عمران/۱۸) [خدا که همواره به عدل، قیام‌دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که: [جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست] جمله اسمیه «لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» دو بار به کار رفته که بیانگر اهمیت این ذکر است و آن را اشرف جملات می‌داند و بندگان را تشویق می‌کند که آن را تکرار کنند (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۴). برخی هم گفته اند علت تکرار آن است که شهادت خداوند با شهادت ملائکه و اولی‌العلم کمال مغایرت را دارد، شهادت حق از روی علم ذات بذات است و ملائکه و اولو العلم محال است علم بذات پیدا کنند چون ممکن پی بذات واجب نمی‌تواند ببرد، و نیز علم او ذاتی است و علم آنها موهبتی است. علم او عین ذات است، علم آنها زائد بر ذات است. علم او واجب، علم آنها ممکن. علم او از خود، علم آنها از افاضه [است] (طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۳، ص ۱۶۱).

جمله فعلیه (وَ يُحَدِّثُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ) هم در آیه ۲۸ و هم در آیه ۳۰ به کار رفته که نشان از هماهنگ بودن مضمون هر دو آیه دارد؛ چرا که در آیه ۲۸ از دوست‌گیری کافران نهی کرده و به تقوا دستور می‌دهد و در آیه ۳۰ گوشزد می‌کند که هر کس هر بدی کند در آخرت آن را می‌یابد که باز هم به نوعی غیرمستقیم امر به تقواست.

تکرار جمله «وَ مَا كُنْتُ لَدَيْهِمْ» در آیه (ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتُ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرِيْمَ وَ مَا كُنْتُ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ) (آل عمران/۱۰۲) [این [ماجرا] از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم، و تو

هنگامی که آنان همدستان شدند و نیرنگ می‌کردند نزدشان نبودی] نشان از بُعد زمانی و مکانی بین پیامبر(ص) و داستان مریم(س) دارد (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۰۲) تکرار این جمله با توجه به صدر آیه که این اخبار را اخبار غیبی می‌داند قابل توجه است و بین غیبی بودن آن اخبار و نبودن پیامبر(ص) نزد آنان هماهنگی وجود دارد.

در آیه (وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ) (آل عمران/۴۲) [یاد کن هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است] جمله «اصْطَفَاكِ» تکرار شده. برخی این تکرار را تأکید دانسته (کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۹) و برخی اصطفاى اول را به جهت عبادت و اصطفاى دوم را به جهت ولادت عیسی دانسته‌اند (رازی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۷) که بدون پدر به دنیا آمد.

۷. موسیقی معنوی

چینش موسیقایی آیات قرآن در سوره آل عمران هم خودنمایی می‌کند، حال هنگامی که بین این موسیقی و تداعی معانی رابطه و هماهنگی وجود داشته باشد از آن به موسیقی معنوی تعبیر می‌شود. در تبیین اهمیت موسیقی معنوی گفته شده: «همان گونه که تقارن‌ها، تضادها و تشابهات در حوزه آواهای زبان، موسیقی اصوات را پدید می‌آورد، همین تقارن‌ها و تشابهات و تضادها در حوزه امور معنایی و ذهنی، موسیقی معنوی را سامان می‌بخشد؛ بنابراین همه ارتباط‌های پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصرع و از سوی دیگر همه عناصر معنوی یک واحد هنری، اجزای موسیقی آن اثرند و از جمه جلوه‌های آن، بخشی از صنایع بدیعی از قبیل تضاد یا طباق، ایهام و مراعات نظیر هستند که از معروف‌ترین این نمونه‌هاست (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۹۶). بدین ترتیب نوعی تناسب میان کلمات در حوزه معنایی شکل می‌گیرد که از آن به موسیقی معنوی یاد می‌شود. در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از طباق و مراعات نظیر که از آرایه و جلوه‌های معنوی و موسیقی ساز هستند پرداخته و کارکرد سبکی آن را در سوره آل عمران تبیین می‌کنیم.

۱.۷. طباق

طباق یکی از پیوندهای معنایی میان کلمات و از عناصر مهم تقویت موسیقی معنوی است که بر اساس آن، دو یا چند کلمه متضاد یا متفاوت از لحاظ معنا در یک عبارت به کار می‌رود، در تعریف آن گفته‌اند «الجمع بین الشیء و ضده» (ابوهلال عسکری، ۱۹۸۴م، ص ۳۳۹).

این آرایه از بسامد بالایی در سوره آل عمران برخوردار است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. در آیه (وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ) (آل عمران/۱۸۰) [و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه برایشان بد است] بین «ببخلون» با «آناهم» و «خیر» با «شر» طباق وجود دارد. طباق در این آیه بیانگر این است که آنچه خداوند به بخیلان عطا کرده و آنان نیز باید زیادی آن را بخشش کنند تا از این طریق خیر به آنان برسد اما بخل می‌ورزند و شر را طلب می‌کنند، در واقع مال خود آنان نیست که در آن بخل می‌ورزند بلکه مالی است که خدا به آنان داده و آنان بالاستقال مالک آن نیستند.

همچنین در آیه (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لُبِّيئْتُهُ لِنَاسٍ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَسَّ مَا يَشْتَرُونَ) (آل عمران/۱۸۷) [و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایید و کتمانش نکنید. پس، آن [عهد] را پشت سر خود

انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله‌ای کردند! میان فعل «لَتُبَيِّنُنَّهُ» و «تَكْتُمُونَهُ» و میان «فَتَبَدُّوهُ» و «اشْتَرَوْا» طباق وجود دارد. غرض از این طباق بیان این مطلب است که اهل کتاب به جای بیان و ابراز میثاق الهی که همان ایمان به پیامبر خاتم است، این میثاق را کتمان کرده و پشت‌گوش انداختند و در مقابل آن را به‌بهای اندکی (که همان بقای سیادت دنیوی آنان است) فروختند. همچنین طباق در آیه (قُلْ إِنْ تَحْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ) (آل عمران/۲۹) [بگو: اگر آنچه در سینه‌های شماست نهان دارید یا آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند] میان «تَحْفُوا» و «تُبْدُوهُ» هم از این قبیل بوده و مشابه طباق در آیه سابق است.

در آیه (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ نُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَنُعِزُّ مَنْ نَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (آل عمران/۲۶) [بگو: بار خدایا، تویی که فرمان‌مایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمان‌روایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمان‌روایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت‌بخشی؛ و هر که را خواهی، خوارگردانی؛ همه خوبی‌ها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی] که در بحث تکرار هم گذشت، میان «نُؤْتِي» و «تَنْزِعُ» و هم میان «نُعِزُّ» و «تُذِلُّ» طباق برقرار است. این طباق نشان از قدرت مطلقه و فرمان‌روایی مطلقه خداوند دارد به گونه‌ای که آن را به هر کس که بخواهد عطا کرده و از هر کس که بخواهد سلب می‌کند. این قدرت مطلقه به خوبی از طباق سلب و اعطا و هم تعزیز و تذلیل قابل برداشت است.

در آیه (فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ) (آل عمران/۱۸۵) [پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآوردند قطعاً کامیاب شده است] میان «زُحِرَ» و «أُدْخِلَ» و هم میان «النَّارِ» و «الْجَنَّةِ» طباق وجود دارد. در این آیه به زیبایی با آرایه طباق و تضاد میان بهشت و جهنم و هم ورود در بهشت و دور بودن از جهنم به نتیجه رستگاری رسیده است به این معنا که رستگاری نتیجه وجود این تضاد در اعمال و زندگی آدمی است.

اشاره به اینکه حیات و ممات هر دو تنها به دست خداوند است از طباق میان «يُحْيِي» و «يُمِيتُ» در آیه (وَ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ) (آل عمران/۱۵۶) [خدا است که] زنده می‌کند و می‌میراند] به خوبی روشن است.

در آیه (تَوَلَّجَ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تَوَلَّجَ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تَخْرُجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تَخْرُجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ) (آل عمران/۲۷) [شب را به روز در می‌آوری، و روز را به شب در می‌آوری؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده خارج می‌سازی] شاهد ۳ طباق هستیم به این صورت که میان «تَوَلَّجَ» و «تَخْرُجُ»، «لَيْلِ» و «نَهَارِ» و هم «حَيٌّ» و «مَيِّتٌ» طباق برقرار است. غرض از آوردن طباق در این آیه بیان گردش ایام و روزگار است که تنها به دست خداوند است که با تدبیر همراه است. تقابل «قیام» و «قعود» هم در آیه (الَّذِينَ يَذُكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا) (آل عمران/۱۹۱) [همانان که خدا را] در همه احوال [ایستاده و نشسته ... یاد می‌کنند] به مطلوبیت ذکر خدا در هر حالی اشاره دارد. از جمله دیگر مصادیق طباق در سوره آل عمران می‌توان به طباق «ذکر» و «أنثی» (آل عمران/۳۶، ۱۹۵)، «اسلام» و «تولّی» (آل عمران/۳۲)، «اطاعت» و «تولّی» (آل عمران/۲۰)، «التقاء» و «تولّی» (آل عمران/۱۵۵)، «کفر» و «ایمان»، «دنیا» و «آخرت» و «عذاب» و «أجور» (آل عمران/۵۶-۵۷) اشاره کرد.

۲.۷. مراعات نظیر

مراعات نظیر که تناسب، توفیق و ائتلاف نیز نام دارد، این گونه است که بین دو یا چند امر تناسبی باشد که با هم تضاد

نداشت ه باشند و جمع شوند (هاشمی، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۹۹) مراعات نظیر در کلام باعث پدید آمدن مسانخت و هم سنخی در کلام است، این مسانخت به نوبه خود وحدت و تناسب و در پی آن موسیقی ایجاد می کند.

کار بست آرایه مراعات نظیر در سوره آل عمران برای شمول یک حکم یا احاطه به تمامی جوانب یک موضوع است که این امر فراتر از صرف ایجاد توازن بدیعی است، مثلاً در آیه ۱۴ آل عمران چنین آمده: (زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ) [دوستی خواستنی های گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب های نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده. [در این آیه میان «نساء»، «بنین»، «قناطر»، «ذهب»، «فضة»، «خیل»، «انعام» و «حرث» مراعات نظیر برقرار است؛ چرا که همه این موارد از جمله ممتلكات و دارایی های انسان بوده و در یک دایره معنایی قرار می گیرند. دلالت آمدن این چند لفظ در کنار هم، شمول محبت انسان به این دارایی ها است که همه یا هر یک اینها ممکن است انسان را از متاع اخروی باز دارد. ذکر این چند مورد محدود که اکثر دارایی های انسان در اینها خلاصه می شود و سپس مقابله آن با آنچه نزد خداست، حکایت از ناشایست بودن دل بستن به این متاع دنیوی دارد.

در آیه (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ) (آل عمران ۶۴) [بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد] میان سه جمله پایانی مراعات نظیر برقرار است. نپرستیدن غیر الله، شرک نورزیدن به او و ارباب نگرستن یکدیگر به جای خدا، هر سه حکایت از یک امر دارد و آن هم توحید است. با سه بیان مختلف یک موضوع واحد بیان شده که در واقع سه تفسیر از یک حقیقت است.

همچنین در آیه (الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ) (آل عمران ۱۷) [اینانند] شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و آمرزش خواهان در سحرگاهان [پنج وصف برای مؤمنان بیان شده که همه با هم مناسبت داشته و نظیر هم هستند، این آیه از جمله آیه هایی است که مراعات نظیر در کل آیه برقرار است. صابران، صادقان، فرمانبرداران، انفاق کنندگان و آمرزش خواهان در سحرگاهان همه در وصف ایمان مشترکند. موسیقی معنوی در تمامی این آیه با وجود مراعات نظیر بین تمامی کلمات آیه به زیبایی اهل ایمان را وصف می کند.

در آیه ۴۹ که حضرت عیسی (ع) برخی از معجزات خود را گوشزد می کند تناسبی که برقرار است همه به شفاف بخشی به اذن الهی باز می گردد: (وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ) (آل عمران ۴۹) [و به اذن خدا نابینایان مادرزاد و پسران را بهبود می بخشم؛ و مردگان را زنده می گردانم]. میان «ابراء اكمه» و «أبرص» و هم «إحياء موتی» مراعات نظیر برقرار است؛ چرا که هر سه مورد در خصوص شفاف بخشی است و هر سه به اذن الهی مقید شده است که نشان از این دارد که اگر اذن الهی باشد بدترین نوع بیماری ها همچون پیسی و کوری و بدتر از آن مرگ، قابل درمان و بازگشت است.

۸. نتیجه و جمع بندی

از آنجا که سوره آل عمران مدنی بوده و متضمن آیات احکام و آیات تربیتی است که غالباً با امر و نهی همراه است، سبک و سیاق کلام در آن - از لحاظ علم معانی - متناسب با چنین سخنانی است؛ لذا آیات تا حد زیادی روشن و فاقد پیچیدگی است؛ به گونه ای که نسبت به سایر سوره ها به ویژه سوره های مکی، از استعاره و کنایه کمتری برخوردار است

و این مقتضای زبان تشریح و تربیت است، زیرا کلام باید به صورت خالص، شسته و رفته و فاقد پیچیدگی ادبی باشد، به همین سبب جز در موارد اندکی شاهد کنایه، تشبیه، مجاز و استعاره نیستیم.

سبک خطابی سوره که روی سخن بامؤمنان، اهل کتاب و آل عمران دارد ایجاب می‌کند که از اسلوب ندا فراوان بهره گرفته شود. حالت خطابی و دستوری، متناسب با خصوصیت تشریح و تربیت نفوس در آیات این سوره است، لذا سبک خطابی نداء به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم به وفور در این سوره به کار رفته است.

تکرار یکی دیگر از ویژگی‌های سبکی بارز در این سوره است، تکرار همواره حاوی نکاتی نغز و دلکش بوده است، به گونه‌ای که تکرار حروف در آیاتی خاص متناسب با فضای سوره آل عمران بوده و معنای آن را تأکید می‌کند.

موسیقی-معنوی آیات قرآن در دو آرایه طباق و مراعات نظیر فراوان یافت می‌شود و در هر یک از مثال‌های پیش گفته قصد خاصی مورد نظر آیات بوده است.

کاربست‌های بدیعی در سوره آل عمران صرفاً جنبه موسیقایی نداشته، بلکه به خودی خود، در بردارنده دلالت‌های واضحی است که به مراتب قرآن را فراتر از یک متن ادبی مزین و مرصع جلوه می‌دهد.

۹. منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ش)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۳. ابوزهره، محمد (بی تا)، زهرة التفاسیر، بیروت: دارالفکر.
۴. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۹۸۴م)، الصناعتین، تحقیق مفید قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. حسین قاسم، عدنان (۲۰۰۱م)، الاتجاه الاسلوبی البنیوی فی نقد الشعر العربی، القاهرة: الدار العربیة للنشر و التوزیع.
۶. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، تفسیر خازن، بیروت: دارالکتب.
۷. رازی، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۳ق)، اسئلة القرآن المجید و أجوبتها من غرائب آی التنزیل، بیروت: المکتبه العصریة.
۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب.
۹. شعلال، رشید (۱۹۹۳م)، البنية الإيقاعية فی شعرابی تمام، پایان نامه ارشد، الجزایر، دانشگاه عنابه.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴ش)، موسیقی شعر، چاپ هشتم، تهران: آگاه.
۱۱. صاوی، علی بن محمد (۱۴۲۷ق)، حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، بیروت: دارالکتب.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۱۴. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
۱۵. عوض، ابراهیم (۲۰۰۰م)، سورة المائدة دراسة اسلوبیة فقهیة مقارنة، القاهرة: مکتبه زهراء الشرق.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسیر، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

۱۷. قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸ق)، محاسن التأویل، بیروت: دارالکتب.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۹. قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۱ش)، جمالیة التکرار فی قصيدة (خطاب من سوق البطالة) لسمیح قاسم، مجله دراسات فی اللغة العربیة و آدابها، ش ۱۰.
۲۰. کاتانو، جیمزو، ترجمه فرزین قبادی (۱۳۸۴ش) سبک شناسی، نامه فرهنگستان.
۲۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (بی تا)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲۲. گروه محققان (۱۳۸۹ش)، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. مدنی، سید علی خان (بی تا)، الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة، قم: ذوی القربی.
۲۴. مسبوق، سید مهدی، آقاجانی، حمید، قادری بیباک، مهتری (۱۳۹۹ش)، نقش و کارکرد سبک قرآنی در بیان دلالت ها (مطالعه موردی سوره مائده)، پژوهش های ادبی - قرآنی، سال هشتم، شماره اول.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ش)، تفسیر نمونه، چاپ ۳۶، قم: دارالکتب الاسلامیة.
۲۶. _____ (۱۴۲۸ق)، انوار الاصول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۲۷. مهائمی، علی بن محمد (۱۴۰۳ق)، تبصیر الرحمن و تیسر المنان، بیروت: عالم الکتب.
۲۸. وحیدیان کامیار، تقی (بی تا)، بدیع از نگاه زیباشناسی، تهران: انتشارات دوستان.
۲۹. هاشمی، احمد، (۱۳۸۹ش)، جواهر البلاغة، ترجمه و شرح حسن عرفان، چاپ دهم، قم: چاپ قدس.